

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين. سلام استاد محترم و عرض تشکر بابت همه الطافی که به اذن حضرت رحمان در اختیار ما می‌گذارید جزاک الله خیرا و حسنا. □ به توفیق الهی بنده مدت‌هاست از راه دور شاگرد شما هستم و مطالب گرانبهای الهی که در کلام شما جاری می‌شود را خدای رحمان به قلبم می‌رساند □ به رسم ادب و شاگردی از محضرتان سوال و طلب راهنمایی دارم. به لطف الهی در ماه مبارک رمضان امسال پس از مدتها طلب انس با حقیقت قرآن از حضرت حق و به لطف بحث زیبای زبان قرآن اصیل ترین زبان در روز ۱۴ ماه مبارک انگار دریچه قلبم به منظر قرآن گشوده شد و انگار این بار این قرآن بود که به جانم تلاوت می‌شد انگار خداوند رحمان را در افق قبله می‌دید قلبم که آیات را به جانم تلاوت می‌کند قابل وصف نیست به زبان قال اما زبان حال اشکی بود که بی اختیار جاری می‌شد قلبی که فقط می‌خواست کلام حق را بشنود و هرچه می‌آمد کنار می‌زد لذتی که وصف شدنی نبود و کلامی که انگار الان در کنار پیامبران اندازشان را می‌بینم استهزاء قومشان را می‌بینم دردی که از عدم توجه مردم به دیدن حق بود را در وجود پیامبران علیهم السلام می‌دیدم حقیقت هر مساله ای را به وضوح انگار می‌دیدم و اعتباری بودن یا بهتر بگویم پوچ بودن خیالات معاندین را انگار می‌دیدم. استاد بزرگوار انگار وارد عالمی دیگر می‌شدم که پر رنگ ترین چیزی که می‌دیدم مهر الهی بود و سپس عفو و خلاصه قابل وصف نیست و این حال بسیار خوش در سحر ۱۴ ماه مبارک که با قرآن کریم آغاز شد در ادامه ماه با نظر به قرآن کریم ادامه می یافت اما دیگر نه به اندازه بار اول، بعد از آن انگار که خدا را دیده بودم در ورای پدیده ها و اتفاقات. خداوند رحمان را حاضر و ناظر می‌دیدم بر زبان قلبم جاری بود «انک قریب مجیب» از همه جالب تر اینکه اون من اعتباری و غیر حقیقی و دانی که همیشه ازش به خداوند رحمان پناه می‌بردم و در واقع ازش فراری بودم اما مرا رها نمی‌کرد به نظری که با قرآن کریم به حضرت رحمان گشوده شد خود بخود کنار رفت طوری که حتی در آن حال خوش گشتم و پیدایش نکردم اما بعد از آن هم با نظر به همان افق قبله که انگار گمشده ام آنجا بود دوباره آن من اعتباری کم رنگ می‌شد و بلکه ناپدید. استاد محترم. عرض حال کردم تا از شما بزرگوار چند سوال بپرسم که نابلد راهم و نیاز به دستگیری دارم گرچه صادقانه اعتراف می‌کنم هر طلب دستگیری که به دلم افتاد حضرت حق به بهترین نحو با مهر خود راه نشانم داد الحمد لله رب العالمین. الان هم نظرم به عنایت اوست شاید در کلام شما استاد بزرگوار. اول اینکه آیا این احوال واقعی است یا ساخته و پرداخته خیالاتم؟ گرچه شرم دارم از این سوال از بس که لطف حضرت حق را به وضوح در قلبم چشیدم لکن لیطمئن قلبی. دوم اینکه بعد از ماه مبارک آنقدر شفاف شده بودم به فضل الهی که با یک خرید یا

یک کلام اضافه رفتن اندک اندک نور تابیده شده حضرت رحمان را احساس می‌کردم و متأسفانه هرچه از ماه دل انگیز میهمانی حضرت رب العالمین دورتر می‌شویم کلام اضافه و مشغول دنیا شدن و اخلاق فاسده که همه ناشی از غفلت و کوتاهی خودم هست موجب کدر شدن آن شفافیت وجودی می‌شود. در این حالات که عاجزانه مثل بدبختی عاجز و بینوا به محبوب رو می‌کنم آنقدر زیاد رحمتش را به جانم می‌نشانند که جز شرمندگی و جز شرمندگی هیچی برایم نمی‌ماند. استاد سوال دوم این است که آیا نظر به افق قبله که انگار اولین بار محبوب از آنجا جلوه گر شد برای ارتباط با او کار اشتباهی است با توجه به اینکه حضرت حق در همه جا حضور دارد و جایی ندارد؟ و سوال آخر اینکه راهنمایی ام بفرمایید چه کنم که راه گم نشود و اگر تا به اینجا راه را صحیح آمده ام همانطور عاشقانه و با قوت در همان راهی که مرا می‌طلبد طی مسیر کنم. البته بنده سالهاست مسیر زندگی ام به عنایت حضرت اباعبدالله علیه السلام روشن به معارف الهی گشته و الحمدلله غرق در این معارف و کتب حقه و خدمت به خلق می‌گذرد و الحمدلله بعد ماه مبارک با نگاه جدید شروع به نگاه به قرآن کرده ام در بین الطلوعین و الحمدلله انگار بعد این همه سال دارم از اول قرآن را می‌بینم و می‌شنوم اما خوف فراق که من آن را نار حقیقی دیدم مرا نگران می‌کند گرچه همین خوف مرا به آغوش پر مهر محبوب هدایت می‌کند از اینکه وقت گرانبهای شما را گرفتم حلالیت می‌طلبم و محتاج راهنمایی و دعای خیر شما بزرگوار در حق شاگردی حقیر و کوچک هستم. همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم و آخر دعواهم ان الحمدلله رب العالمین

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که مولایمان علی «علیه السلام» می‌فرمایند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِذْبَارًا» برای قلبها بعضاً احوالات رجوع به حق است به صورت خاص، و بعضاً قلبها در حالت عادی هستند و لذا موضوع قبض و بسط را حمل بر بی‌پناهی و بی‌محلی از طرف حضرت ربّ العالمین ننمایید. ۲- آری! قبله، مظهریت تامّ دارد و کمک می‌کند تا در بقیه مظاهر نیز ما به نور آن مظهریت تامّ انس بگیریم. ۳- این که بعضاً ما را حضرت محبوب به خود وامی‌گذارد برای آن است که به نوعی به خود آییم و احوالات را تبدیل به معارف کنیم به همین جهت پیشنهاد بنده آن است که از تدبّر نسبت به تفسیر المیزان به همان شکل که در جزوه «روش کار با المیزان» عرض شد، غفلت نشود.

موفق باشید.